جواز عمل به مرجحات در متعارضین

شاگرد: جمع در طول حکم به تخییر است؟ چون آقایان که طرح می گویند طرح دو روایت هم مقصودشان است. خلاصه فرمایش شما این است که اول تخییر جاری است؛ اول سخت نمی گیریم، اگر توانستید جمع کنید، بکنید. اما اگر نتوانستید جمع کنید، به همان تخییر بر می گردد.

استاد: بله. در اصول متاخر می گوییم اگر توانستید به جمع عرفی، جمع کنید، واجب است. اگر نتوانستید جمع عرفی کنید، حرام است. دائر بین این است. اما آن طوری که من عرض کردم، به این صورت نیست. اصل اولی -که به تمام معنا اولی است- تخییر است. در مبانی صاحب کفایه هم مکلف در اعمال تراجیح سرگردان می شود. چون خود بحث تراجیح چقدر دقیق و ظریف است. در مراتبش بحث‌های سنگینی مطرح است. برای مکلف سخت می شود. بنابراین تا اختلاف شد مولی از ناحیه او سخت گیری ندارد؛ «اذن فتخیر»؛ یکی را بگیر و دیگری را رها کن. خب دنبال ترجیح بروم یا نروم؟ خوب است، برو. به دنبال جمع بروم یا نروم؟ خوب است، برو. اما من الزام نمی کنم. اگر از اول اخذ به یکی کردی، نمی گویم چرا آن را طرح کردی. چرا؟ چون اصل من بر تسهیل بر تو است. اما در مواضع متعدد فرمودها‌ند اگر ما به خاطر تسهیل گفتیم مخیر هستید، شما فوری نگویید دیگری کنار برود. خب کجا کنار برود؟! سبعین مخرج دارد؛ چقدر وجه دارد. شما ضعیف هستید و بر شما سخت نگرفتیم. اگر بخواهید ثبوتی بگویید، «نرد علمه الی اهله»، «سبعین وجها» پیش می‌آید. فلذا آن وجوه ثبوتی وسیع، در عین حالی که تسهیل و تخییر است، مصحح فضیلت و رجحان مهما امکن است. «الجمع مهما امکن». چون ثبوتش این است. به خاطر تسهیل که شما را از آن وجوه ثبوتی محروم نمی کنیم. از طرف دیگر وقتی شما احتمال می دهید امام گفته، فوری طرح مفاد نکنید، به این معنا که بگویید کذب است. بگویید «نرد علمه الی اهله». همین که به ما منسوب است، مبادرت و سبقت به تکذیب نگیرید. نگویید دروغ است.

شاگرد: اگر در جمع برای فقیه یک نحو اطمینان حاصل شد، ولی هنوز می‌تواند به خودش یا مقلدینش بگوید تخییر داشته باشند؟ این تشریع هست؟

شاگرد۲: در مواردیکه بواحتی جمع عرفی می‌شود، باز همان اصل اولی تخییر هست؟

استاد: جمع عرفی ای که تعارض را غیر مستقر کند، نه. جمع های عرفی ای داریم که اصلاً تعارض، تعارض مستقر نیست.

شاگرد۲: مثل عام و خاص؟

استاد: در آن وقت از عام و خاص بحث کردیم. از مفاتیح الاصول خواندیم که آسید محمد مجاهد چه می‌گفتند.

شاگرد۲: جمعی که فقیه به اطمینان می‌رسد را می‌فرمودید.

استاد: فقیه به اطمینان می‌رسد که مطلب این است. اگر به اطمینان می‌رسد، آیا آن تخییر تسهیلی باقی است یا نه؟ ببینید اگر به یک اطمینانی برسد که آن اطمینان به‌منزله قطع حجیت برای فقیه هست، نه. بینه و بین مولاه مراد را به دست آورده است. فهمیده این برای این موضوع است و دیگری برای آن موضوع است. نمی‌تواند طرح کند. کلام مولی است، به آن اطمینان پیدا کرد که دو تایی هستند که متعارض نیستند. جمع به این معنا است. اما اگر بحث‌های علمی است، ولی به اطمینان نرسید. در کلاس رفت‌وبرگشت هست، اما خودش مطمئن نشد. آن اصل تخییر از باب تسهیل برقرار است، مادامی که در خلافش به اطمینان نرسیده باشد.

بازبینی #1
ایجاد شده 18 آوریل 2026 10:19:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 آوریل 2026 10:22:33 توسط ... .